

زرکوب یا زرین کوب و فروش میلیاردی کتاب



ابراهیم عمران
روزنامه‌نگار

گاه نمایش کتاب امسال هم تمام شد. طبق معمول در رسانه‌های رسمی میزان فروش میلیاردی و جمعیت آنچنانی، زینت‌بخش کلام مسئولان است. آمد و شد مناسبتی و عادت به رفتن به هر نمایشگاهی در جان و پوست بسیاری از مارخنه کرده است. حال اگر در این نمایشگاه‌ها اشناختیون و هدیه‌هایی هم هرچند کوچک داده شود نیز نورعلی‌نور است. صحبت از درستی یا نادرستی این آمار نیست. امید که هرچه می‌گویند به صواب و ثواب نزدیک باشد. صحبت بر سر این هم نیست که چرا دور و برمان که بر حسب ارتباط‌های فرهنگی، افراد اهل هنر و قلم وجود دارند، امسال کمتر به نمایشگاه رفتند. به‌حتم آنان نیز دلایل خاصی برای نرفتن دارند. نمی‌شود به‌طور یقین از استقبال یا عدم آن حرف زد. به‌هرحال چرخ اقتصادی ناشران باید بچرخد. در این میان عده‌ای هم نان می‌خورند. زندگی آنان نیز بستگی به این رفتن‌ها و خرید کردن‌ها دارد. بحث این چند خط اما چیز دیگری است. شمارگان و تیراژ کتاب چه می‌گویند در این پروپاگاندای رسانه‌ای؟ تیراژ زیر هزار و گاهی هم زیر ۵۰۰ به چه معنی است. حتی تجدید چاپ در نوبت‌های مختلف به اندازه تیراژ سال‌های قبل نمی‌شود. یعنی یک کتاب در حالت خوشی برای ۵۰۰ یا هزار نفر است. حال اگر همین شمارگان هم به فروش رود. این روزها هم که فروش مجموعه شعرها و رمان‌ها حالت دوستانه پیدا کرده است. طرف کتابی می‌نویسد و به‌سبب ارتباطات مجازی و بیشتر خدخدا منشا، مسرورانه اعلام می‌کند فلان درصد به فروش رفته است! حال کل تیراژش به ۳۰۰ نسخه نمی‌رسد؛ ولی با افتخار از میزان فروش بالای ۸۰ درصدش می‌گوید. آری خیلی ساده است این فرمول چاپ، خواندن و فروش. البته اینکه امورات ناشران و کتابفروشان به چه شکلی می‌گردد؛ بحث مجزایی است. بسیاری از آنان از استخوان‌خرد کرده‌های قدیمی این عرصه هستند. به حتم آردها بیخه و ال‌کها آویخته‌اند. می‌توانند با کمترین نیرو و هزینه امور را پیش برند. مهم طرف مقابل یعنی خواننده است که در حقیقت وجود ندارد. چقدر در جامعه و در پیرامون، این کتابخوانی عیان است؟ صحبت بر سر دین و نظاره کردن فیزیکی نیست که بر فرض مثال گویم در مترو، اتوبوس و تاکسی چقدر کتابخوان داریم. بحث بر سر خروجی این خواندن برای زندگی بهتر و اندیشه پس از آن است. طرف کتاب اندیشه‌های پوپر در دست دارد و دریغ از اندکی خردورزی و آزاداندیشی در رفتار شخصی و اجتماعی‌اش. حال فرض شود همین فرد در منصبی نیز قرار داشته باشد که دیگر کردارش از کفر ابلیس و زهد اسفندبار نیز معروف‌تر می‌شود. یا با یز و نمادگرایی زیاد، کتاب بالینی‌اش را «سیاست‌نامه‌خواه نظام‌الملک» برای همگان اطلاع‌رسانی می‌کند؛ اما ذره‌ای از سیر و سلوک نوشتاری این کتاب در نهان و عینش مشاهده نمی‌شود. از این دست موارد و شاخص‌های عینی زیاد است. افسوس می‌ماند که هیچ‌گاه خواندن کتاب برای بسیاری از ما، زمینه‌ساز تفکر و اندیشه بعد خواندن نشد. جملاتی از آن را به مناسبت‌هایی ذکر می‌کنیم. حالیه نیز به‌مدد شبکه‌های اجتماعی یز خواندن و دانستن می‌دهیم. از کتاب‌های زیادی که خواندیم و وقت نداریم که دیگر مثل قبل بخوانیم، می‌گویم. غافل از اینکه خروجی این همه خواندن (تازه اگر درستی‌اش قابل حصول و اثبات باشد) چیست. حال بگذریم از این طنز تلخ که زننده‌یاد باستانی پاریزی نقل می‌کردند که روزی فردی برای خرید کتاب به کتابفروشی مراجعه می‌کند. به فروشنده می‌گوید، چندین کتاب زرکوب می‌خواهم. فروشنده خوشحال از اینکه فردی فرهنگی پیدا شده است، چندین کتاب استاد زرین‌کوب را می‌آورد. خریدار که در باغ نبود و نامی از ایشان هم به طریق اولی نشنیده بود، می‌گوید اینها زرکوب است؟ فروشنده با تواضع می‌گوید که منظور شما زرین‌کوب است؟ خریدار می‌گوید، مگر جلد زرین‌کوب هم داریم؟ کتابخانه‌ای زده‌ام در خانه؛ سازنده گفت برای نمای بهتر و احیاناً فخرفروشی افزون‌تر، چندین جلد کتاب زرکوب بخرم. همین! حال پیدا کنیم میزان ارتباط اعلامی فروش میلیاردی و جمعیت احیاناً چندین‌صدهزار نفری استقبال‌کنندگان از نمایشگاه کتاب امسال را با این خاطره دردناک...

۱۶
۲۴ ساعت
24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

• صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی
• مشاوران: عباس‌عبدی و احمدزیدآبادی
• سردبیر: محمدجوادروح • معاون‌سردبیر: مهرداد خدیر • دبیرآلین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی‌ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشرگستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



عکس: ایرنا

پایان گشت و گذاری سرخوشانه

نخستین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در دولت چهاردهم
پس از ۱۰ روز میزبانی از ناشران، اهالی قلم و دوستان کتاب به کار خود پایان داد



نرگس کیانی
خبرنگار گروه فرهنگ

سی‌وششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران با فروشی معادل ۵۲۴ میلیارد و ۳۴۹ میلیون تومان، در دو بخش حضوری و مجازی پس از ۱۰ روز به کار خود پایان داد. این آمار در نشست خبری روز جمعه، ۲۶ اردیبهشت‌ماه یک‌روز مانده به پایان نمایشگاه- از سوی ابراهیم حیدری، قائم‌مقام و سخنگوی نمایشگاه سی‌وششم، در نشست خبری اعلام شد. آماری که اگرچه آمار نهایی فروش نمایشگاه سی‌وششم نیست اما دست‌کم تصویری کلی از آن در ذهن ایجاد می‌کند. نمایشگاه سی‌وششم در روزهای برگزاری، میزبان چهره‌هایی از طیف‌های گوناگون بود. ضمن این که عدم‌حضور برخی ناشران در آن تحت عنوان «کنش اعتراضی تحریم» نبود که رخ داد. بلکه چنان‌چه از سوی این ناشران اعلام شد، دلیل‌اش حمایت از چرخه توزیع و فروش کتابفروشی‌های محلی بود. اگرچه عدم صرفه اقتصادی حضور در نمایشگاه نیز می‌توانست دیگر دلیل احتمالی این تصمیم باشد.

برگزاری نخستین دوره یز نشریاری یا فیلوشیپ با تمرکز بر ادبیات و تصویر کودک و نوجوان، به قصد تقویت حضور نشر ایران در عرصه جهانی و ممانعت از حضور کتابفروشان، به قصد تأمین منافع ناشران از جمله اتفاقی بود که برای نخستین‌بار در نمایشگاه کتاب رخ داد. ضمن این که تعامل نسبتاً قابل توجه میان ناشران، نویسندگان، هنرمندان، سیاست‌مداران و مخاطبان کتاب، در کنار رونمایی از تازه‌ترین آثار حوزه ادبیات، علوم انسانی و فناوری زیر سایه حضور پررنگ چهره‌های فرهنگی و سیاسی و برگزاری نشست‌های تخصصی، موجب کاسته‌شدن از وجهی شد که از آن تحت عنوان وجه «فروشگاهی» نمایشگاه یاد می‌شود و همواره مورد انتقاد برخی قرار دارد.

نه‌الز اما خرید که گشتی میان کتاب‌ها



محسن آزمون، روزنامه‌نگار اندیشه و کتاب که از جمله حاضران در ادوار گوناگون نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران و از جمله دوره سی‌وششم آن بوده است، در مورد این دوره به هم‌میهن می‌گوید: «به نظر من دوره سی‌وششم نسبت به دوره‌های پیشین نمایشگاه، از تفاوت فاحشی برخوردار نبود. درواقع به‌طور طبیعی از زمان برقراری امکان خرید غیرحضوری از طریق نمایشگاه مجازی کتاب، حضور فیزیکی در این رویداد کاهش پیدا کرده است. امکانی که اتفاقاً به‌گواه آمار با استقبال علاقه‌مندان نیز مواجه است. چنان‌چه براساس اظهارات ابراهیم حیدری، قائم‌مقام و سخنگوی نمایشگاه سی‌وششم، تا ساعت ۱۳ روز جمعه ۲۶ اردیبهشت‌ماه، فروش بخش مجازی معادل ۲۸۷ میلیارد و ۴۴۷ میلیون تومان و تا ساعت ۱۲ شب پنجشنبه ۲۵ اردیبهشت‌ماه، فروش بخش فیزیکی معادل ۲۳۶ میلیارد و ۹۰۱ میلیون تومان بوده است. امکان خرید مجازی و تأثیر آن بر کاهش حضور در بخش فیزیکی نیز، امری نه مربوط به این دوره که قابل مشاهده در همه ادوار اخیر است. درمجموع اما به‌عنوان کسی که هر ساله چندین‌بار به نمایشگاه می‌روم و امسال نیز به‌طور کامل در نمایشگاه حضور داشتم، تصور نمی‌کنم که استقبال از دوره سی‌وششم به نسبت دوره‌های پیشین دچار کاهش شده باشد. هر چند نمی‌توان انکار کرد که مشکلات اقتصادی به‌طورکلی بر کاهش خرید کتاب، اثر جدی گذاشته است. ضمن این که من با آن‌چه انتقاد از رشد بی‌سابقه قیمت کتاب خوانده می‌شود، موافق نیستم و معتقدم، قیمت کتاب در قیاس با قیمت دیگر کالاها، ابدأ قیمت بالایی نیست. اگرچه در وضعیت اقتصادی کنونی، طبیعی است که

افراد درآمدشان را صرف تأمین مایحتاج ضروری خود کنند، سپس سراغ هزینه‌کردن در حوزه فرهنگ‌و هنرو اندیشه از جمله خرید کتاب بروند.

آزمون به اشاره به حضور چهره‌های فرهنگی از طیف‌های گوناگون در نمایشگاه سی‌وششم از جمله روشنفکران، نویسندگان و اساتید دانشگاه با مثبت خواندن این اتفاق، به نکته دیگری نیز اشاره می‌کند.

او می‌گوید: «عدم حضور برخی از ناشران در این دوره، اتفاقی که در دیگر دوره‌ها نیز قابل مشاهده بود، تحت عنوان «تحریم» اتفاق نیفتاد. درواقع اگرچه برخی از این ناشران اعلام کردند که به دلایلی از جمله حمایت از بخش‌کنندگان و فروشنده‌های محلی کتاب در نمایشگاه شرکت نمی‌کنند اما گمان می‌کنم دلیل اصلی، عدم صرفه اقتصادی حضور در نمایشگاه برای‌شان بوده است. درواقع شخصاً عدم حضور را یک انتخاب و نه کنشی اعتراضی می‌دانم. ضمن این که گمان می‌کنم آن‌چه می‌تواند موجب وارد آمدن آسیب به بخش‌کنندگان و فروشنده‌های محلی کتاب شود، نه نمایشگاه ۱۰ روزه ی کتاب که چرخه ی خریدوفروش مجازی کتاب است. چرخه ناگزیری که در مورد سایر کالاها نیز صدق می‌کند و گریزی از آن نیست.» او با مثبت ارزیابی کردن نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران به‌طورکلی آن را رویدادی می‌خواند که موجب برقراری ارتباط میان ناشران با نویسندگان، مترجمان و درمجموع اهل قلم می‌شود. ضمن این که زمینه برقراری امکان گفت‌وگو میان دوستداران کتاب با اهل قلم را فراهم می‌کند و موجب دیده‌شدن تازه‌های نشر می‌شود. او ضمن ابراز مخالفت با این اظهارنظر که نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، رویدادی تخصصی و صرفاً متعلق به ناشران و اهالی کتاب است، آن را یک رویداد فرهنگی همگانی خواند. یک رویداد فرهنگی همگانی که حتی ممکن است میزبان کسانی باشند که هدف‌شان از حضور در آن، نه الزاماً خرید کتاب که گشت‌وگذار میان کتاب‌هاست.

اعتراضاتی که به‌جای خود باقی است

در کنار همه این‌ها اما اعتراضاتی که سالیان سال است شنیده می‌شود، هم‌چنان بر جای خود باقی است. از جمله اعتراض به برگزاری نمایشگاه کتاب از سوی دولت، به‌جای برگزاری آن از سوی انجمن‌ها، اتحادیه‌ها و شرکت‌های تعاونی کتاب و انتقاد از نمایشگاه‌گردان شدن دولت به‌جای سیاست‌گذاری و ایجاد زیرساخت. نمایشگاه‌گردانی که در هر دوره تنها می‌کوشد آمار مراجعه‌کنندگان و فروش را بالا و بالاتر ببرد. انتقاد دیگر این است که نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران از همان ابتدا با حذف دو حلقه توزیع یا بخش کتاب و کتابفروشی‌ها، حرکت چرخه اقتصاد نشر را مختل کرده است این که سیاست‌های حاکم و حمایت‌ها از طرفی، موجب رشد نامتوازن حلقه نشر شده و از طرف دیگر، حلقه توزیع و کتابفروشی را روزبه‌روز ضعیف‌تر و کوچک‌تر نموده است. پرسشی که همراه با این انتقادات مطرح می‌شود این است که چرا در ادوار گوناگون و دولت‌های متفاوت، به‌جای صرف هزینه برای برگزاری رویدادی ۱۰ روزه در پایتخت، برای توسعه آن‌چه «ویرترین دائمی کتاب در سراسر کشور» خوانده می‌شود، هزینه نمی‌شود؟ اشاره به مواردی چون گرانی کاغذ، رشد قارچ‌گونه ناشران پخته‌خوار و کتابساز و عدم رعایت کپی‌رایت، موضوعات دیگری است که بر نمایشگاه کتاب اثر مستقیم و غیرمستقیم دارد.

با وجود تکرار این مکررات اما هم‌چنان می‌توان امیدوار بود. امیدوار به نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران یا چنان‌چه محسن آزمون می‌گوید: «رویداد فرهنگی همگانی که حتی ممکن است میزبان کسانی باشد که هدف‌شان از حضور در آن، نه الزاماً خرید کتاب که گشت‌وگذار میان کتاب‌هاست.» امیدوار به این که با پذیرش پیشنهادات و انتقادات از سوی برگزارکنندگان این رویداد فرهنگی و درخواست رسانه‌ها برای تبیین و تشریح آن‌چه رخ می‌دهد، درنهایت اتفاقاتی خجسته برای اهل قلم و دوستداران اهل قلم و کتاب رقم بخورد.

چهره

سالمرگ اولین مستندساز حرفه‌ای ایران



بعد از کودتای سال ۱۲۹۹، جوان ایرانی اروپادیده به اسم خان‌بابا معتمدی که فرزند یکی از رجال بلندپایه بود، با یک دوربین فیلمبرداری فرانسوی به ایران برمی‌گردد. بعد از میرزا ابراهیم‌خان عکاس‌باشی، او دومین نفری بود که این وسیله را از غرب به ایران آورد. بعد از مدتی خان‌بابا با ساخت

مستندهایی از خانواده و نوادگان قاجار، از سوی دربار دعوت می‌شود و در مراسم دولتی فیلمبرداری می‌کند. این تجربیات و شهرت او، باعث می‌شود آوانس اوگانیانس برای ساخت اولین فیلم سینمایی ایرانی یعنی «آبی و رابی»، سراغ او برود و خان‌بابا کار فیلمبرداری این فیلم را برعهده بگیرد. علاوه بر این، خان‌بابا معتمدی از بسیاری رویدادهای مهم کشور مانند مراسم تاج‌گذاری در کاخ گلستان، شروع بنای راه‌آهن، جشن مشروطیت در مجلس شورای ملی، مراسم افتتاح رادیو تهران و... مستند تهیه کرده است. به پاس تلاش‌هایش، سال ۱۳۱۳ نشان عالی درجه یک هنری به‌عنوان اولین فیلمبردار ایرانی به او اهدا شد. خان‌بابا معتمدی در ۲۹ اردیبهشت‌ماه ۱۳۶۵ به‌علت کهولت سن درگذشت.

کتابخانه

بازنگری تاریخ ملی گرایی



کتاب «کشف ایران (تقی ارانی و جهان‌وطن‌گرایی رادیکال او)» نوشته علی میرسپاسی، با ترجمه رامین کریمیان در ۲۸۴ صفحه و با قیمت ۳۵۰ هزار تومان توسط نشر نی منتشر شده است. علی میرسپاسی در این کتاب با هدف کشف دوباره «ایده ایران» از خلال مطالعه زندگی و آثار تقی ارانی، بنیان‌گذار مجله دنیا، به بازنگری تاریخ ملی‌گرایی (ناسیونالیسم) ایرانی می‌پردازد. کمال مطلوب ارانی این بود که ایران آینده با تنوع و تکثر مردمانش پا در راه پیشرفت‌های علمی و جهان مدرن بگذارد. در اندیشه ملی‌گرایانه او، که در میان جمعی کوچک ولی پرنفوذ از اندیشمندان ایرانی مقیم شهر برلین شکل گرفته بود، قرائتی خاص از مارکسیسم با نوعی اخلاق جهان‌وطن‌گرایانه برای پیشرفت کشور تلقیف شده بود. علی میرسپاسی تا به حال کتاب‌های متعددی در حوزه تاریخ و جامعه‌شناسی اندیشه در ایران معاصر نگاشته که برخی از آن‌ها به فارسی هم ترجمه و منتشر شده‌اند. او در کتاب حاضر، ضمن بررسی فضاهای فکری و روشنفکری که ملی‌گرایی مدنی در آن‌ها نشو و نما می‌یافت، به نقد تصویر و تصویری می‌پردازد که در دولت پهلوی اول از کشور ایران ارائه می‌شد.

کشف ایران
نویسنده:
علی میرسپاسی
مترجم:
رامین کریمیان
انتشارات: نی

تاریخ

تاسیس سازمان جوانان اتحاد جماهیر شوروی



سازمان جوانان اتحاد جماهیر شوروی که به اختصار، پیشگامان جوان نامیده می‌شد، در ۱۹ مه ۱۹۲۲ به دستور ولادیمیر لنین تأسیس شد. عضویت کودکان و نوجوانان ۹ تا ۱۴ ساله در این

سازمان اجباری بود. بعدتر این سازمان در گسترش خود، به شکل‌گیری شاخه جوانان حزب کمونیست کمک کرد و سن عضویت در شاخه جوانان بین ۱۴ تا ۲۸ سال مقرر شد. ایده تأسیس چنین نهاده‌ای این بود که هر شهروند شوروی بتواند آموزش‌های ایدئولوژیک لازم را طی کند و به یک شهروند خوب بدل شود. برای تحقق این هدف، جلساتی با موضوع نمایش فیلم، سخنرانی و فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی ترتیب داده شده بود. موفقیت در این سازمان از جمله شرایط لازم برای نیل به مقام‌های بالاتر بود و در مقابل اخراج از اتحادیه جوانان به دلایل رفتارهای نادرست در مدرسه یا انتشار دیدگاه‌های نادرست سیاسی، مجازات سختی به همراه داشت و بدان معنا بود که داشتن یک حرفه عادی برای آن فرد، دیگر در اتحاد جماهیر شوروی امکان‌پذیر نیست. این سازمان در سال ۱۹۹۱ و پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی منحل شد.